

فصل پنجم: فاجعه منا از منظر حقوق مهاجران و گردشگران

◀ حجت‌الاسلام دکتر عزیزاله فهیمی^۱

از جمله مباحثی که در این کتاب بررسی می‌شود، نگاه فقهی به گردشگری و حقوق گردشگران است. طرح بحث از این‌روست که وقوع فاجعه منا از زوایای مختلفی قابل بررسی است. از جمله آسیب‌هایی که فاجعه منا وارد می‌کند، آسیب به صنعت گردشگری در کشورهای اسلامی است که آسیب به حقوق گردشگران نیز محسوب می‌گردد؛ زیرا از نگاه فقهی و حقوقی نیز گردشگران حقوقی دارند که دولت عربستان سعودی موظف به رعایت آن حقوق می‌باشد. در صفحات آتی دو بعد گردشگری و حقوق گردشگران مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته است.

گفتار اول: طرح بحث گردشگری

گردشگری، بعد از صنعت نفت و خودرو، سومین صنعت درآمدزا و از پربازده‌ترین

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم.

درآمدهاست که در رشد اقتصادی کشورها مؤثر است. گردشگری انواعی دارد که گردشگری حلال، برای مسلمانان گردشگری مجاز تلقی می‌شود. توصیه اسلام نیز بر انجام این گردش‌هاست که به ابعاد معنوی توجه دارد. کشورهای اسلامی با داشتن قریب به یک چهارم جمعیت جهان، کمتر از ۵٪ از درآمد توریستی را به خود اختصاص می‌دهند؛ یعنی با داشتن ۲۳٪ جمعیت جهان، فقط ۱۲٪ بازار گردشگری جهان را در اختیار دارند. کشور ایران نیز که ۵٪ جمعیت جهان اسلام را در اختیار دارد و جزو برترین کشورها از لحاظ جاذبه‌های گردشگری است، طبق آمار سال ۲۰۰۸ میلادی، تنها ۱/۵ تا ۲/۳ درصد گردشگران را به خود جلب کرده است.

مراد از گردشگری سفر به اطراف دنیا برای تفریح و سرگرمی است که طی آن گردشگر به نقاط مختلف دنیا می‌رود و سپس به محل خود بر می‌گردد.

اسلام به گردشگری از دو بعد اهمیت داده است: یکی از بعد مشاهده جهان خلفت و تفکر در صنع الهی و دوم از لحاظ آشنایی فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ اسلامی. در تفکر اسلامی انسان آزاد است و این آزادی در حدود مسئولیت او تعیین می‌شود و هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محل دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهرها و کشورهای دیگر انتخاب کند. در آیین اسلام می‌توان عناصر زیر را در خصوص احترام گردشگران مدنظر قرار داد:

- بخشش و گذشت؛
- پرهیز از ستم و تعدی؛^۱
- نیکی و احسان؛^۲
- رعایت حقوق انسانی و رفتار مطابق با موازین اسلامی؛
- رعایت اخلاق اسلامی؛
- حق تظلم و شکایت در محاکم کشور پذیرنده؛

۱. بقره: ۲۷۹.

۲. ممتحنه: ۹.

- حق امنیت؛

- حق آزادی و محفوظ بودن حیثیت و جان و مال گردشگر؛

- حق محفوظ بودن شعائر دینی گردشگر، در چارچوب مقررات اسلامی.

۱. گردشگری فرهنگی

برای گردشگری انواع مختلفی بر شمرده‌اند که از جمله آنها گردشگری فرهنگی است. از ویژگی این نوع گردشگران، تحصیلات بالا، شاغل بودن و بالا بودن میانگین سنی است. این دسته از گردشگران مایل به آشنایی با فرهنگ مناطق مختلف، خواهان کاوش در چشم‌اندازهای فرهنگی جوامع انسانی و درک آنها هستند و به جذابیت‌های فرهنگی مثل موزه‌ها و کنسرت‌ها و نمایشگاه‌ها و آیین‌های سنتی مثل مراسم تعزیه‌خوانی و زیارتگاه‌ها توجه می‌کنند. گردشگری فرهنگی امروزه بخش مهمی از تقاضاهای جهانی را تشکیل می‌دهد. طبق آمار سازمان جهانی گردشگری، ۳۷٪ از گردشگری‌های بین‌المللی با انگیزه فرهنگی انجام می‌شود. آشنایی با فرهنگ بومی مناطق، جزء اهداف بازدیدکنندگان فرهنگی است. فرهنگ بومی شامل عادات محلی، سبک‌های معماری، زبان‌های محلی، ارزش‌های دینی و معنوی در چارچوب مناسک و مکان‌های مقدس است. در این میان، رابطه فرهنگ و زیستگاه، رابطه تنگاتنگی است که از آن به عنوان پهنه فرهنگی^۱ یاد می‌شود.

هدف این نوع گردشگری، حرکت انسان‌ها برای جاذبه‌های فرهنگی و جدا شدن از مکان معمولی سکونت، با انگیزه به دست آوردن اطلاعات و تجربه جدید برای ارضای نیازهای فرهنگی است. در این نوع گردشگری، افزون بر ایجاد زیربنای اقتصادی و افزایش اشتغال، زمینه کشف دوباره حقیقت و توسعه آگاهی‌های منطقه‌ای و آشنایی با هویت فرهنگی فراهم می‌گردد.^۲

۱. تعرف‌ها و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری.

۲. مهدی سقایی، گردشگری فرهنگی.

گردشگری مذهبی زیر مجموعه گردشگری فرهنگی است که شامل بازدیدگردشگران از اماکن مقدس مثل معابد و مقابر ائمه و امامزادگان می‌شود که طی سی سال گذشته رشد بی‌سابقه‌ای داشته است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۴ این گردشگران ۴/۴ میلیون نفر بوده‌اند و در سال ۲۰۰۶ این رقم به ۷/۱۴ میلیون نفر رسیده است و تعداد بازدیدکنندگان واتیکان در این مدت به دو برابر رسیده است.

عربستان سعودی نیز با رشد فراینده داوطلبان گردشگری مذهبی در فشار قرار گرفته و مجبور به سهمیه‌بندی حجاج و معتمرین شده است. گردشگری اسلامی که نوعی از گردشگری مذهبی است، با ویژگی پایبندی گردشگران به آموزه‌های دینی و کنجکاوی آنان برای شناخت تمدن‌های کهن صورت می‌گیرد^۱ در این میان، انجام فریضه حج، انبوهی از گردشگران را دور خود جمع می‌کند تا در کنار تجمع روحانی، با فرهنگ‌های یکدیگر آشنا شوند و بین آنان هم‌گرایی بیشتری حاصل شود. در راستای همین گفتمان، بحث توریسم حلال مطرح شده که در آن، رعایت مقررات اسلامی در رفت و آمدها و خوراک و پوشاک و محدود نشدن در لذت محض گردشگری بلکه استفاده از آموزه‌های اسلامی، مد نظر است. اسلام نیز برای استفاده از زیبایی‌های زمین تأکید نموده است.^۲

۲. گردشگری در کشورهای اسلامی

منظور از کشور اسلامی، کشوری است که حداقل ۵۰٪ جمعیت آن مسلمان، و هیئت حاکمه و تصمیم‌گیرانش مسلمان باشند و فرهنگ حاکم بر آن کشور نیز فرهنگ اسلامی باشد.^۳

امروزه اعضای سازمان کنفرانس اسلامی به ۵۷ کشور رسیده است و جمعیت ۱/۵ میلیاردی مسلمانان، ۲۴٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. بعد از مسیحیت،

۱. مجله گردشگری اسلامی در لندن، عبدالصاحب الشاکری.

۲. گردشگری حلال، مفاهیم و اهمیت وضعیت امروز آن، برزین جعفرتاش.

۳. جغرافیای کشورهای اسلامی، رضا مستوفی‌الممالکی.

اسلام دومین رتبه در جمعیت را دارد که امروزه این جمعیت مجدداً دارای واکنش فعال جهانی شده است که پیوندهای فرهنگی و اعتقادی جمعیت مسلمانان را در کنار هم قرار می‌دهد. اندونزی با ۲۰۵ میلیون و پاکستان با ۱۷۸ میلیون و هند با ۱۷۷ میلیون نفر مسلمان بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده‌اند. پیش‌بینی یک مؤسسه فرهنگی در آمریکا این است که در سال ۲۰۳۰ میلادی جمعیت مسلمانان جهان افزوده می‌شود و از ۲۴٪ جمعیت فعلی جهان به ۲۶/۴ درصد خواهد رسید و جمعیت مسلمانان اروپا از ۶٪ به ۸٪ و از ۴۴ میلیون به ۵۸ میلیون نفر خواهد رسید و یکی از مناطقی که رشد جمعیت مسلمان آن در سال‌های آینده چشمگیر خواهد بود، خود کشور آمریکاست که به دلیل مهاجرت مسلمانان و افزایش گرایش به اسلام، جمعیت مسلمان آن به شدت افزایش خواهد یافت.^۱

در بین کشورهای اسلامی ده کشور مسلمان، از جمله عربستان سعودی، ۸۰٪ توریسم را به خود اختصاص می‌دهند و تنها ۲۰٪ بقیه گردشگران به ۴۷ کشور دیگر از جمله ایران اختصاص دارد؛^۲ در حالی که کشور ترکیه با مطرح کردن حکومت عثمانی در سال ۲۰۰۷ میلادی، ۲۷ میلیون گردشگر و درآمد ۱۸/۵ میلیارد دلاری دارد و در همین سال رشد ۱۰٪ بیشتر نسبت به سال ۲۰۰۶ را به دلیل تقویت گردشگری داشته است.^۳

۳. گردشگری در عربستان سعودی

کشور عربستان سعودی به سبب وجود حرم امن الهی و شهرهای مقدس مکه و مدینه و اماکنی چون قبرستان بقیع و غار حرا و...، سالیانه پذیرای ۲۲ میلیون زائر از کشورهای اسلامی و در حال حاضر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای پذیرنده توریسم مذهبی است و در پی آن است که تا سال ۲۰۲۰ جمعیت ۲۴/۳ میلیون نفری در سال را در آن

۱. رسانبوز به نقل از موسسه تحقیقاتی پیو.

۲. رسانبوز به نقل از: inttour.in oic

۳. بررسی تجارب موفق تأمین مالی گردشگری در سایر کشورها، نوید سعیدی رضوانی.

کشور پذیرا باشد. گردشگری همه‌ساله با رشد ۲۰ درصدی در عربستان همراه است و این کشور تلاش دارد زیرساخت‌های بهتری برای پذیرایی از زائران ایجاد کند.^۱

۴. گردشگری در قرآن کریم

قرآن کریم با دعوت به گردشگری به این عمل جهت می‌دهد و پند و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان را غایت گردشگری می‌داند. خداوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾

(آل عمران: ۱۳۷)

پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت؛ پس در زمین گردش کنید و سرانجام تکذیب‌کنندگان را ببینید.

به طور مثال در سرزمین مکه و مدینه که محل نزول وحی است، تطبیق آیات نازل بر حوادث اتفاق افتاده مثل جنگ بدر و احد و نیز محل نابود شدن سپاه ابرهه در پیدا و محل جدال حضرت ابراهیم علیه السلام و هاجر با شیطان در سرزمین منا، همه یادآور شکست تکذیب‌گران است.

آیه بعد مطالعه سرنوشت مجرمین را از اهداف گردشگری در اسلام قرار داده است:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (نمل: ۶۹)

به مردم بگو در زمین گردش کنید و به سرانجام کار مجرمان بنگرید.

در زمین قوانینی حاکم است؛ از جمله اینکه پیروزی از آن صالحان است نه مجرمان و سرنوشت مجرمان جز ناکامی و بدنامی نیست. گاهی نیز مطالعه در عالم خلقت و اندیشه در شگفتی‌های طبیعت به عنوان هدف گردشگری ذکر شده است: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخُلُقَ﴾ (عنکبوت: ۲۰)

در واقع قرآن کریم مسلمانان را به سیر آفاقی دعوت می‌کند که در کنار سیر انفسی،

1. mmostafavi@modares.ir.

مکمل ایمان افراد است؛ همان‌گونه که شناخت نفس نیز شناخت پروردگار عالم را به دنبال دارد. «من عرف نفسه عرف ربه». معرفت به مخلوقات الهی و دقت در ظرایف خلقت، باعث فزونی معرفت به باری تعالی است.

علامه طباطبایی با توجه به آیاتی که به گردشگری در زمین امر می‌نماید، گردشگری را امری مستحب شمرده است.^۱ یعنی اصل سیر و سفر در زمین کاری پسندیده است. قرآن کریم برخی ویژگی‌های مؤمنین را چنین می‌شمارد: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ﴾؛ «توبه‌گران، عبادت‌کنندگان، ستایش‌گران و گردشگران...». (توبه: ۱۱۲)

منظور از سائحون سیرکنندگان در زمین است. علامه طباطبایی^۲ ضمن بیان این معنا می‌گوید: «به همین دلیل به آبی که از جایی به جایی دیگر جاری می‌شود سائح می‌گویند». از همین رو کلمه مسیح به گردشگر در زمین معنا شده است؛ چون طبق روایت امام صادق^۳: «ان عیسی بن مریم کان من شرایعه السیح فی البلاد»؛ «گردشگری جزء شریعت مسیح^۴ شمرده می‌شود».

رسول خدا^۵ نیز در روایتی می‌فرمایند: «هر کس بخواهد به سیاحت عیسی^۶ بنگرد، به علی^۷ نظاره کند».^۴

علی^۸ نیز در پاسخ به سؤال مرد یهودی که پرسید آیا حضرت عیسی^۹ جهانگردی داشته است، فرمودند: آری، و سیاحت پیامبر اکرم^{۱۰} در صحنه‌های پیکار و جهاد بود.^۵

۵. گردشگری در روایات

علی^{۱۱} در مورد خصوصیت فرد گردشگر می‌فرماید: «لیس للعاقل ان یکون شاخصاً الا

۱. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۳۹۶.

۳. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۴.

۴. همان، ج ۳۹، ص ۳۸.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۲۸.

فی ثلاث، مرمة المعاش او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم»^۱. با توجه به اینکه کلمه شاخص در کتب لغت به معنای جابه‌جایی و انتقال از شهری به شهر دیگر آمده است، معنای روایت چنین است:

خردمند به جهانگردی می‌پردازد مگر برای تحقق یکی از سه هدف زیر:

- تقویت معیشت زندگی؛

- گام نهادن در جهت اصلاح آخرت؛

- برخورداری از لذت‌های حلال.

زیارت مکه و مدینه که آرزوی هر مسلمانی است، هر سه هدف را به دنبال دارد؛ هم باعث تقویت تجارت بین مسلمانان می‌شود؛ هم باعث تقویت ایمان و اصلاح آخرت است و هم بهره‌مندی از لذت‌های سیر و سفر و دیدن مناظر و تجارب را به دنبال دارد.

حضرت در جای دیگر فرموده است: «اسکن الامصار العظام فانها جماع المسلمین»^۲؛

«در شهرهای بزرگ که محل اجتماع انبوه مسلمانان است، اقامت نما».

حضرت در فرمایش دیگری خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: آدمی باید اخبار گذشتگان را مطالعه کند یا از دیگران بشنود، و بعد سفارش می‌کند که با چشم برای بی‌وفایی دنیا کمک بگیر و به شنیدن و مطالعه و تفکر در آثار گذشتگان اکتفا نکن؛ بلکه سیر و گردش نما و از نزدیک آمال و آرزوهای بربادرفته پشیمان را مطالعه کن و در سرزمین‌های آنان مسافرت نما و آثار آنان را تماشا کن و بنگر و ببین چه کاره بوده‌اند و چه ساخته‌اند و چه کرده‌اند و به چه نتایجی رسیده‌اند و چه به دست آوردند و پس از آن به کجا رفتند و در کجا منزل گزیدند و فرود آمدند و از چه کسانی و محبوبانی جدا شدند که حتی برای یک ساعت هم طاق‌دوری از آنها را نداشتند و اینک برای همیشه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹.

۲. فی ظلال نهج البلاغه، مغنیه، ج ۴، ص ۱۸۲.

از آنها دور شدند و به مکانی می‌روند که با محیط آن کاملاً بیگانه‌اند و هیچ انس و الفتی با آن ندارند؛ چون تمام انس و الفت آنان به دنیا بوده است. سپس می‌فرمایند: حال که سرگذشت پشتیبان بر تو آشکار شد، هرگز آخرت خود را به دنیا مفروش و جایگاه و منزلت خود را درست کن و آبادساز و ببین کجا می‌روی؛ آنجا را اصلاح کن و آباد نما.

ولا تبع آخرتک بدنیاک فاصلح مثواک.

آخرت خود را به دنیا مفروش و مقر اخروی خود را اصلاح کن.

بعد می‌فرماید: مبدا تمام قصد خود را به دنیا معطوف داری و از مقصد غافل شوی، تمام هم خود را به مقصد معطوف دار که منزلگاه تو اینجا نیست و آخرت است.^۱ از آیات و روایاتی که مرور کردیم به این نتیجه می‌رسیم که گردشگری در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و با توجه به ثمرات آن، همواره مورد سفارش منابع اسلامی بوده است. گسترش اسلام در نقاط دیگر جهان و نیز یافتن نقاط مشترک بین مسلمانان، از جمله ثمرات گردشگری است و انتقال تجارب بین ملت‌ها، نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های جهانی در خصوص حقوق همه ملت‌ها، گسترش زاویه دید مسلمان‌ها و دنیادیدگی آنان، و باز شدن زمینه‌های طرح نظریات عالی اسلامی و جهان شمولی آن، از جمله اهداف این سفرهاست.

اما گردشگران مسلمان در کشورهای اسلامی از حقوقی بهره‌مندند که ذیلاً به بررسی این حقوق خواهیم پرداخت.

گفتار دوم: حقوق گردشگران مسلمان در کشورهای اسلامی

۱. حق آزادی

این حق امروزه در مجامع بین‌المللی به عنوان حق مهمی برای گردشگران پذیرفته شده است. در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

هر کس حق دارد که در داخل کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

با توجه به ماده فوق که این حق را برای عموم گردش مسلمان و غیر مسلمان در نظر می‌گیرد، می‌توان حق آزادی آنان را برداشت کرد. در خصوص آزادی گردشگران نکته‌ای که قابل تأمل است این است که گاهی حق آزادی گردشگران، با حاکمیت دولت‌ها تعارض می‌یابد؛ زیرا حاکمیت دولت‌ها بر کشور خود ذاتی است و دولت بدون اقتدار بی‌معناست. حاکمیت را قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده فوق اراده‌های دیگر معنا کرده‌اند.^۱

گاهی نیز ممکن است، بین این حق حاکمیت و حق گردشگران تعارضی به وجود آید. بر این اساس، دولت‌ها در قبال گردشگران، محدودیت‌هایی را برای خودشان می‌پذیرند که این محدودیت را نمی‌توان از خارج بر آن دولت تحمیل کرد.^۲ علت قبول این محدودیت نیز حفظ منافع خود آن کشور گردشگرپذیر است؛ زیرا کشورها با عضویت در مجامع بین‌المللی سعی می‌کنند جایگاه جهانی خود را حفظ کنند و محدودیت‌هایی را در صحنه داخلی و بین‌المللی بپذیرند.^۳

۲. حدود آزادی

آزادی گردشگران به این معنا نیست که ارزش‌ها و مقدسات کشور دیگر را زیر پا نهند؛ بلکه باید به آداب و رسوم و ارزش‌های آن کشور احترام نهند. آزادی بدون قید و شرط مورد قبول هیچ انسانی نیست. در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز برای

۱. بایسته‌های حقوق اساسی، قاضی شریعت پناهی، ص ۲۰.

۲. حقوق بین‌الملل عمومی، ضیایی بیگدلی، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۸۳.

آزادی محدود قرار داده شده است و آن محدوده، حریم آزادی دیگران است. ولی در دیدگاه اسلامی، افزون بر رعایت آزادی دیگران، باید برای حفظ کرامت انسانی، حقوق الهی هم رعایت شود. یکی از متفکران در این مورد می‌گوید: «متفکران اجتماعی و فلاسفه حقوق در غرب فقط دو حق، یعنی حق فرد و حق جامعه را پذیرفته‌اند و به دنبال آن، تمام تلاششان آن است که تعارض حق فرد و جامعه را حل نمایند».^۱ ولی ما به حق سومی هم اعتقاد داریم که آن حق خداست که از دو حق مذکور مهم‌تر است... چون خداوند انسان را کریم خلق نموده است، رعایت مقتضیات اخلاقی در گردشگران خارجی لازم است. قرآن کریم فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» «ما فرزندان آدم را کرامت بخشیده‌ایم». (اسراء: ۷۰) این کرامت عمدتاً جنبه معنوی دارد و به صورت ذاتی به انسان‌ها داده شده است و نگهداری این کرامت و کسب کرامت اکتسابی نیز وظیفه انسان است. گفتنی است در ماده ۲۹ اعلامیه مذکور، در کنار رعایت حق آزادی دیگران، قید دیگری برای آزادی آورده شده است و آن رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی است که اگر مقتضیات صحیح اخلاقی را شامل کرامت انسانی هم بدانیم، بین دیدگاه اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه نیز تعارضی نخواهد بود.

۳. حق حیات

منظور از حق حیات آن است که گردشگران مسلمان در کشورهای اسلامی دارای حق بنیادین زندگی هستند و حقوق شهروندی آنان منوط به زنده بودن آنان است. این حق بر سایر حقوق هم اولویت دارد. این حق در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این صورت مورد تأکید قرار گرفته است که «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

۱. نظریه سیاسی اسلام، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۹۴.

قرآن کریم حق حیات را موهبتی می‌داند که به بشر ارزانی داشته است:

﴿فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾ (روم: ۵۰)

به آثار رحمت الهی نظر کن که چگونه زمین مرده را زنده می‌گرداند.

همچنین به حفظ این حق مهم اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده: ۳۲)

آن که کسی را بدون آنکه جان دیگری را گرفته باشد یا مفسد فی الارض باشد، بکشد، گویا تمامی انسان‌ها را کشته است.

حتی خود انسان نیز حق از بین بردن حق حیات خود را ندارد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء: ۲۹)

خودتان را نکشید که خداوند بزرگ نسبت به شما رحیم است.

در مورد حق حیات ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی، مصوب دولت‌های

اسلامی در قاهره، می‌گوید:

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و برای همه افراد جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده، در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست؛

ب) استفاده از هر وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است؛

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جا که خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می‌باشد.

در اصول ۳ و ۴ و ۵ همین اعلامیه نیز حق حیات مورد تأکید قرار گرفته است.

می‌توان گفت: در همه فرهنگ‌ها حق حیات حقی محترم شناخته شده است و همه

کشورها از جمله کشورهای اسلامی، خصوصاً که تابع اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی

هستند، لازم است به تبعیت از این حق، حق گردشگران را محترم شمارند و این اصل در قانون اساسی همه کشورها از جمله ایران، به عنوان حق محترم، مورد تأکید قرار گرفته است. قانون اساسی در اصل ۲۲ خود می‌گوید: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز نماید».

۴. اصل امنیت

رسول گرامی اسلام ﷺ در سخنرانی معروف خود در عرفات از مردم پرسیدند: «مردم این ماه چه ماهی است؟» همه جواب دادند ماه حرام. فرمودند: «خداوند تا هنگامی که پروردگارتان را دیدار کنید خون‌هایتان و اموالتان را همچون حرمت این ماه بر شما حرام کرده است». بعد می‌پرسند: «اینجا چه سرزمینی است؟» جواب دادند سرزمین محترم. بعد می‌فرمایند: «خون و مال شما به سان این سرزمین، محترم، و هر نوع تجاوز به آنها ممنوع است».

باز پرسیدند: «امروز چه روزی است؟» جواب دادند: روز حج اکبر. حضرت ادامه دادند که «خون و مال شما به سان امروز محترم می‌باشد».^۱

این فرمایش رسول خدا ﷺ و وظایف کشورهای گردشگرپذیر را سنگین می‌کند و مهم‌ترین وظیفه آنان را بعد از حفظ حیات، حفظ امنیت گردشگران می‌داند؛ خصوصاً اگر گردشگران، برای امور عبادی واجب یا مستحب، به کشوری چون عربستان بروند که خون و جان و مال زائران و گردشگران باید در امنیت کامل قرار گیرد.

رخداد حج ۱۴۳۶ در منا، سطح جاذبه کشورهای اسلامی، خصوصاً عربستان سعودی را که مهم‌ترین زیارتگاه‌ها را در بر دارد، پایین می‌آورد و به حیثیت کل کشورهای اسلامی لطمه وارد کند. بر همین اساس بیانیه صلح از طریق جهانگردی در امان پایتخت اردن تأکید می‌نماید: «دولت باید ضمن تأمین امنیت، گردشگران را در

۱. حقوق بشر از منظر اندیشمندان، محمد بسته‌نگار، ص ۱۴۰.

برابر هرگونه تهدید جانی و مالی مورد حمایت قرار داده و امکانات لازم و تسهیلات لازم را برای مسافرت گردشگران فراهم نمایند.^۱

اصول ۳۲ و ۳۳ و ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این حق را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این مورد روایتی از طریق اهل سنت نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند.

الا من ظلم معاهداً او انتقصه او كلفه فوق طاقتة او اخذ منه شيئاً بغير طيب نفس فانا حجيجه يوم القيامة.^۲

آگاه باشید که هر کس به ذمی معاهدی ظلم نماید یا نقضی بر او وارد کند یا بر کاری فوق طاقت او وادار نماید یا بدون رضای او مالی از او بستاند، من روز قیامت مدعی چنین شخصی خواهم بود و از آن ذمی حمایت می‌کنم. وقتی یک کافر ذمی از چنین حقی در کشور اسلامی برخوردار است، حقوق گردشگر مسلمان به طریق اولی باید حفظ شود.

۵. حق مسکن و احترام به زندگی خصوصی افراد

خداوند تعالی همه انسان‌ها را از حق برخوردار از نعمت مسکن و زندگی آرام خصوصی برخوردار کرده است. قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره نور تأکید می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان، تا با صاحب آن انس ندارید وارد نشوید؛ چون با رخصت اهل آن وارد شدید، سلام نمایید، این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید.

۱. دفتر بازاریابی و امور بین‌الملل سازمان ایرانگردی و جهانگردی، سلسله سخنرانی‌های اجلاس بین‌المللی

جهانگردی و صلح و گفت‌وگوی تمدن‌ها، ص ۸۲.

۲. سنن ابی‌داود، سلیمان بن اشعث ابوداود، ج ۶، ص ۱۷۱.

گردشگرانی که با اذن کشور اسلامی وارد آن کشور می‌شوند و سکنی می‌گزینند، در امنیت کامل هستند و از هرگونه تعرض در امان‌اند. ضمن اینکه نمی‌شود هیچ کس را به زور در محلی سکنی داد و کسی حق سرک کشیدن در زندگی خصوصی گردشگران را ندارد. زندگی خصوصی آنان در امان است. در این مورد، ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره مقرر می‌دارد:

(الف) هر انسانی می‌تواند نسبت به جان، دین، خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند؛

(ب) هر انسانی حق دارد نسبت به امور زندگی خصوصی خود (مسکن، خانواده، ارتباطات،...) استقلال داشته باشد. و باید او را در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه حمایت نمود؛

(ج) مسکن در هر حال حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن، به صورت غیر مشروع وارد آن شد.

اصل ۲۲ و ۳۱ قانون اساسی ایران و ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران هم به آن ملحق شده است، این حق را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۶. حق دادخواهی و آزادی دفاع

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تفرع لهم فيه شخصک و تجلس لهم مجلساً عاماً
فتتواضع فيه لله الذی خلقک و تقعد عنهم جندک و اعوانک من احراسک و شرطک
حتى یکلمک متکلمهم غیر متنتع، فانی سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یقول فی غیر موطن لن
تقدس امة لایؤخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیر متنتع»^۱.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ای مالک از دقت و نیروی خود، وقتی برای رسیدگی به شکایات دادخواهان قرار بده و برای آنان یک روز عمومی در نظر بگیرد که مردم شخصاً بتوانند در کنارت بنشینند و با تو درد دل کنند. در آن نشست عمومی در برابر خدایی که تو را خلق کرده فروتن باش و سربازان و مأموران منحصر خود را بازدار تا سخنگوی مردم بتواند بدون وحشت حرف خود را بزند، که از رسول خدا ﷺ شنیدم، سرنگون باد امتی که در میان آنان حق ضعیف از زورمند به صراحت و بدون اضطراب گرفته نشود.

قرآن کریم نیز در این باره می‌گوید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)

به تحقیق ما انبیا را با بینه‌ها و نشانه‌ها فرستادیم و همراه آنان کتاب و ترازو فرستادیم تا مردم به عدل و انصاف برخیزند.

در جامعه اسلامی مسلمان و غیر مسلمان حق دادخواهی و شکایت دارند. قرآن کریم خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿وَ أَنْ أَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ (مائده: ۴۹)

رسول خدا ﷺ در زمینه اجرای عدالت و مساوات بین حق طلبان می‌گوید:

من ابتلی بالقضاء بین الناس فلیعدل بینهم فی لحظه و اشارته و مقعده.^۱

هر کس مسئولیت قضاوت بین مردم را بپذیرد، باید بین نگاه کردن، اشاره نمودن و جایگاه نشستن آنان عدالت را برقرار نماید.

علی رضی الله عنه نیز درباره رعایت عدالت بین مردم می‌گوید:

انصف الله وانصف الناس من نفسک ومن خاصة اهلک ومن لک هوی فیہ من رعیتک

فانک الاتفعل تظلم ومن ظلم عبادالله کان الله خصمه دون عباده...^۲

انصاف و عدالت را در رابطه با خودت و خویشان نزدیکت رعایت کن که اگر چنین نکنی، ظالم خواهی بود و کسی که به بندگان خدا ظلم کند، به جای مردم، خدا با او دشمنی خواهد کرد.

۱. اخبار القفا، محمد بن خلف وکیع الظبی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۳۴.

از بین فقهای اسلام نیز محقق حلی درباره ویژگی‌های حاکم کشور اسلامی فرموده است:

التسوية بين الخصمين في السلام والجلوس والنظر والكلام والانصاف والعدل في
الحكم....^۱

بین دو طرف خصمه در سلام و محل نشستن و نگاه و کلام با آنان تساوی برقرار کند و در حکم بین آنان با عدل و انصاف رفتار کند.

۱. شرایع الاسلام، ابوجعفر بن حسن حلی (محقق حلی)، ص ۸۷.

